

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم
(میدان دولتین - صدر انجمناسی)

دانشگاه باقر العلوم

دانشکده تاریخ، علوم سیاسی و علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی تطبیقی علّیت و تبیین پدیده‌ها از دیدگاه رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی

استاد راهنما:

دکتر عماد افروغ

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

مهدی رجبی

تابستان ۱۳۹۱

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و
... از این پایان نامه برای دانشگاه باقرالعلوم ^(علیه السلام) محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است.

پیش از هر چیز خدای را بی نهایت شاکرم که توفیق آغاز و انجام کار را عنایت فرمود.

و سپاس بیکران خود را به حضور استاد ارجمندم جناب آقای دکتر عماد افروغ تقدیم می‌دارم که بی شک آنچه توفیق در این پژوهش نصیب گردید مرهون اشراف و دستگیری ایشان بوده است.

و تشکر وافر از استاد گرامی دکتر حسن عبدی که توصیه‌های ایشان چه در دوره شیرین دانشجویی و چه پس از آن و در طول تدوین پایان نامه راهگشا بوده است. همچنین از ریاست محترم دانشگاه و همه دست‌اندرکاران گرامی که موجبات بهره‌مندی حقیر را فراهم نموده‌اند، سپاسگزارم.

و سپاس ویژه و صمیمی از همسر عزیزم که شکیبایی و همراهیش، رفیق راه این سیاهه بوده است.

این بضاعت ناچیز را تقدیم می‌دارم به:

آستان نورانی ثامن الحجج حضرت امام رضا (علیه السلام)

و

خواهر بزرگوارشان حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

چکیده

اصل علیّت ، به عنوان یک اصل کلی و بنیان علمی که درباره احکام موضوعات حقیقی بحث می کنند، مورد توجه همه ی مکاتب فلسفی بوده است. تحقیق پیش رو با عنوان "بررسی تطبیقی علیّت و تبیین پدیده ها از دیدگاه رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی" علیّت و تبیین را از دو دیدگاه فلسفی یعنی حکمت متعالیه به عنوان میراث فلسفی فعال جهان اسلام و رئالیسم انتقادی به عنوان یکی از رویکردهای مطرح در فلسفه علم و فلسفه علوم اجتماعی مورد توجه قرار داده است. در این تحقیق تلاش شده با تمرکز بر مباحث طرفین درباره ی علیّت ، دیدگاه آن ها در این باب ارائه گردد. همچنین متناسب با تحلیل دو مکتب از علیّت، الگوی کلی تبیین در هر یک از دو دیدگاه معرفی شده و مورد مقایسه قرار گیرد. نوشتار حاضر بر این عقیده است که نفی صدفه و پذیرش اصل علیّت به مثابه ی قانون حاکم بر هستی، نقد تصور هیومی و کانتی از علیّت، نقطه ی اشتراک دو دیدگاه در باب علیّت است اما در اینکه آیا مفهوم «علیّت» مفهومی فلسفی است یا ماهوی از یکدیگر جدا می شوند. و نیز الگوی تبیین در حکمت صدرایی «قیاسی - برهانی» و در رئالیسم انتقادی «تبیین فرایندی یا پس کاوی» است.

کلیدواژگان :

علیّت ، نیروی علیّی ، تبیین ، رئالیسم انتقادی ، رئالیسم صدرایی ، حکمت صدرایی ، صدرالمتالهین ، روی بسکار ، آندرو سایر.

۱	فصل ۱: کلیات تحقیق و مفاهیم.....	۱
۲	مقدمه	۲
۲	۱-۱. کلیات تحقیق.....	۲
۲	۱-۱-۱. طرح مسئله	۲
۳	۱-۱-۲. پرسش‌های تحقیق	۳
۳	۱-۲-۱-۱. پرسش اصلی	۳
۳	۱-۲-۱-۲. پرسش‌های فرعی	۳
۳	۱-۳-۱. پیشینه تحقیق	۳
۵	۱-۴. اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۵
۵	۱-۵. اهداف تحقیق	۵
۶	۱-۶. روش تحقیق	۶
۶	۱-۷. سازمان‌دهی تحقیق.....	۶
۶	۲-۱. مفاهیم	۶
۷	۱-۲-۱. علیت	۷
۷	۲-۲-۱. تبیین	۷
۸	۳-۲-۱. رئالیسم انتقادی	۸
۸	۴-۲-۱. حکمت صدرایی	۸
۱۰	فصل ۲: علیت و تبیین از دیدگاه رئالیسم انتقادی	۱۰
۱۱	مقدمه	۱۱
۱۲	۱-۲. علیت پیش از رئالیسم انتقادی.....	۱۲
۱۲	۱-۱-۲. علیت از دیدگاه هیوم.....	۱۲
۱۷	۲-۱-۲. علیت از دیدگاه کانت	۱۷
۲۴	۲-۲. رئالیسم انتقادی.....	۲۴
۲۶	۱-۲-۲. مبانی هستی‌شناختی رئالیسم انتقادی.....	۲۶
۲۶	۱-۱-۲-۲. استقلال وجودی جهان از معرفت انسانی	۲۶
۲۹	۲-۱-۲-۲. ساختاریافته بودن جهان	۲۹
۳۵	۳-۱-۲-۲. تصور جهان به مثابه سیستم باز	۳۵
۳۸	۲-۲-۲. مبانی معرفت‌شناختی رئالیسم انتقادی.....	۳۸
۳۸	۱-۲-۲-۲. نسبت علم و ادراک با عالم و مدرک	۳۸
۴۰	۲-۲-۲-۲. نسبت علم و معرفت با جامعه	۴۰

۴۰ ۱-۲-۲-۲-۲. ارتباط علم با منابع مشترک جامعه
۴۱ ۲-۲-۲-۲-۲. ارتباط علم با افراد و نهادهای مختلف جامعه
۴۱ ۳-۲-۲-۲-۲. کارکرد علم برای تغییر محیط
۴۲ ۴-۲-۲-۲-۲. وابستگی تولید علم به ابزارهای مفهومی و تکنیکی جامعه
۴۴ ۳-۲-۲-۲-۲. نسبت علم و معرفت با واقع (امکان معرفت مطابق با واقع)
۵۰ ۳-۲. علّیت از دیدگاه رئالیسم انتقادی
۵۰ ۱-۳-۲. معنای علّیت
۵۰ ۲-۳-۲. قانون علّیت
۵۲ ۱-۲-۳-۲. فروع و تحلیل رئالیسم انتقادی از علّیت
۵۵ ۲-۲-۳-۲. نسبت نیروهای علّی با شرایط اعدادی
۵۶ ۴-۲. تبیین از دیدگاه رئالیسم انتقادی
۵۷ ۱-۴-۲. الگوی تبیین استنباط فرایندی یا پس‌کاوی
۶۱ ۲-۴-۲. تبیین فرایندی، الگوی کشف لایه‌های مختلف واقعیت
۶۴ ۵-۲. علّیت و تبیین در قلمرو کنش‌های انسانی
۶۵ ۱-۵-۲. اثبات علّیت نسبت به رفتار انسانی
۶۷ ۲-۵-۲. تبیین کنش‌های انسانی
۶۹ ۶-۲. رئالیسم انتقادی و استقراء
۷۵ فصل ۳: علّیت و تبیین در حکمت صدرایی
۷۶ مقدمه:
۷۶ ۱-۳. سیر تحولات علّیت پیش از حکمت متعالیه
۷۷ ۱-۱-۳. علّیت از دیدگاه صوفیه
۷۷ ۲-۱-۳. علّیت از دیدگاه متکلمان
۸۱ ۳-۱-۳. علّیت از دیدگاه فیلسوفان
۸۳ ۲-۳. علّیت و تبیین در حکمت صدرایی
۸۳ ۱-۲-۳. مبانی نظری حکمت صدرایی
۸۳ ۱-۱-۲-۳. مبانی هستی‌شناختی حکمت متعالیه
۸۴ ۱-۱-۲-۳. اصالت وجود
۸۸ ۲-۱-۲-۳. تشکیک وجود
۹۲ ۳-۱-۲-۳. حرکت جوهری
۹۶ ۲-۱-۲-۳. مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه
۹۶ ۱-۲-۱-۲-۳. مبانی معرفت‌شناسی درباره تصورات
۱۰۲ ۲-۲-۱-۲-۳. مبانی معرفت‌شناسی درباره تصدیقات
۱۰۴ ۱-۲-۲-۱-۲-۳. انواع یقینیات
۱۰۶ ۲-۲-۲-۱-۲-۳. ارتباط نظریات علمی با سایر علوم و جامعه
۱۰۷ ۱-۲-۲-۲-۱-۲-۳. رابطه نظریات علمی با سایر علوم
۱۰۷ ۲-۲-۲-۲-۱-۲-۳. ارتباط نظریه علمی با جامعه

- ۱۰۹..... ۲-۲-۳. علیت در حکمت صدرایی.....
- ۱۰۹..... ۱-۲-۳. تعریف علیت.....
- ۱۱۱..... ۲-۲-۳. مفاد اصل علیت.....
- ۱۱۲..... ۳-۲-۳. مبدا تصویری و تصدیقی اصل علیت.....
- ۱۱۳..... ۱-۳-۲-۳. مبدا تصویری علیت.....
- ۱۱۵..... ۲-۳-۲-۳. مبدا تصدیقی اصل علیت.....
- ۱۱۷..... ۴-۲-۳. ملاک نیازمندی معلول به علت.....
- ۱۱۹..... ۵-۲-۳. تحلیل حقیقت ربط علی.....
- ۱۲۱..... ۱-۵-۲-۳. دیدگاه عرفانی ملاصدرا.....
- ۱۲۲..... ۲-۵-۲-۳. نظریه وجود رابطه، نفی علیت یا ترقیق آن.....
- ۱۲۵..... ۳-۵-۲-۳. دیدگاه فلسفی ملاصدرا.....
- ۱۳۰..... ۶-۲-۳. اصول فرعی قانون علیت.....
- ۱۳۰..... ۱-۶-۲-۳. اصل ضرورت علی.....
- ۱۳۱..... ۲-۶-۲-۳. قاعده سنخیت.....
- ۱۳۲..... ۷-۲-۳. تقسیمات علت.....
- ۱۳۳..... ۱-۷-۲-۳. علت حقیقی و علت اعدادی.....
- ۱۳۴..... ۲-۷-۲-۳. علل قوام(داخلی) و علل وجود(خارجی).....
- ۱۳۴..... ۳-۷-۲-۳. علت مادی و علت تصویری.....
- ۱۳۵..... ۱-۳-۷-۲-۳. مسبوقیت هر حادثی به ماده و قابل.....
- ۱۳۷..... ۲-۳-۷-۲-۳. رابطه تکوینی قوه و فعل و ثبوت وجودی فعلیتهای ممکن شی در ماده.....
- ۱۳۸..... ۳-۳-۷-۲-۳. شوق ماده به صورت.....
- ۱۴۳..... ۴-۷-۲-۳. علت فاعلی و علت غایی.....
- ۱۴۴..... ۱-۴-۷-۲-۳. اقسام فاعل.....
- ۱۴۶..... ۲-۴-۷-۲-۳. غایتمندی تمام فعالیت های هستی.....
- ۱۴۸..... ۸-۲-۳. علیت و اختیار.....
- ۱۵۰..... ۳-۳. روش تبیین بر اساس نگرش صدرایی به علیت.....
- ۱۵۱..... ۱-۳-۳. روش های تبیین از منظر حکمت صدرایی.....
- ۱۵۲..... ۱-۱-۳-۳. علم حضوری و شهود.....
- ۱۵۲..... ۲-۱-۳-۳. برهان عقلی.....
- ۱۵۳..... ۱-۲-۱-۳-۳. برهان عقلی محض.....
- ۱۵۵..... ۲-۲-۱-۳-۳. برهان عقلی مبتنی بر مقدمات تجربی.....
- ۱۵۵..... ۱-۲-۱-۳-۳. تبیین در موضوعات طبیعی.....
- ۱۵۷..... ۱-۱-۲-۱-۳-۳. تبیین حدوث صفات و ویژگی های اشیاء.....
- ۱۵۸..... ۲-۱-۲-۱-۳-۳. تبیین حدوث صور نوعیه و فعلیتهای جدید.....
- ۱۶۳..... ۲-۲-۱-۳-۳. تبیین کنش های انسانی.....
- ۱۶۵..... ۲-۳-۳. علیت، تبیین و موضع انتقادی.....
- ۱۶۹..... ۳-۳-۳. تبیین و صدق.....
- ۱۷۰..... ۱-۳-۳. چند احتمال درباره کبرای قیاس در تجربیات و ارزیابی آنها.....
- ۱۷۳..... ۲-۳-۳. امکان تصحیح تعمیمات تجربی نسبت به آثار باطبع شیء.....

۱۷۳	۳-۳-۳. بررسی امکان تصحیح تعمیمات تجربی نسبت به علّیت شرایط اعدادی
۱۷۴	۳-۳-۳-۱. تردید در توانایی حس و تجربه در شناخت رابطه علی
۱۷۴	۳-۳-۳-۱. تردید در اصل شناخت علّیت توسط حس و تجربه
۱۷۵	۳-۳-۳-۲. تردید در شناخت علت تامه توسط حس و تجربه
۱۷۶	۳-۳-۳-۲. تشکیک در امکان تعمیم و ارائه قانون کلی از طریق مشاهدات جزئی
۱۷۹	۳-۳-۴. قانون علیّی در حکمت صدرایی
۱۸۲	۳-۴. جمع‌بندی روی‌کرد تبیینی حکمت متعالیه
۱۸۴	فصل ۴: مقایسه علّیت و تبیین در حکمت صدرایی و رئالیسم انتقادی.....
۱۸۵	مقدمه
۱۸۵	۴-۱. مقایسه در سطح مبانی
۱۸۵	۴-۱-۱. مقایسه مبانی هستی‌شناختی دو دیدگاه
۱۸۵	۴-۱-۱-۱. واقع‌گرایی
۱۸۷	۴-۱-۱-۲. نسبت دو دیدگاه با متافیزیک یا هستی‌شناسی
۱۸۸	۴-۱-۱-۳. تغییرات جوهری از منظر دو دیدگاه
۱۸۹	۴-۱-۱-۴. نفی اتمیسم
۱۹۰	۴-۱-۱-۵. مقایسه مفاهیم ساختار درونی / صورت نوعیه
۱۹۳	۴-۱-۱-۶. نظام طولی واقعیات
۱۹۴	۴-۱-۲. مقایسه مبانی معرفت‌شناختی دو دیدگاه
۱۹۴	۴-۱-۲-۱. تحلیل هر یک از دو دیدگاه درباره معرفت
۲۰۰	۴-۱-۲-۲. امکان معرفت صادق
۲۰۵	۴-۱-۲-۳. روی‌کرد کلی دو دیدگاه در جستجوی واقعیّت
۲۰۹	۴-۲. مقایسه در سطح علّیت
۲۰۹	۴-۲-۱. یک‌پارچگی جهان و نفی صدفه
۲۱۱	۴-۲-۲. اصل علّیت
۲۱۴	۴-۲-۳. نفی تصوّر هیومی و کانتی از علّیت
۲۱۴	۴-۲-۳-۱. نقد حکمت صدرایی بر آراء هیوم و کانت
۲۱۵	۴-۲-۳-۲. نقد رئالیسم انتقادی بر آراء هیوم و کانت
۲۱۶	۴-۲-۴. ضرورت وجود قابلیت و استعداد برای حدوث فعلیّت‌ها
۲۱۷	۴-۲-۵. نقش علل اعدادی در فعلیّت دادن به قابلیت‌ها
۲۱۹	۴-۲-۶. اصل سنخیت علیّی و معلولی
۲۱۹	۴-۲-۷. اصل ضرورت علیّی
۲۲۰	۴-۲-۸. شناخت علت تامه و علت منحصره
۲۲۰	۴-۲-۹. مقایسه علل چهارگانه
۲۲۲	۴-۲-۱۰. نقش علیّی دلیل و انگیزه (علّت غایی) در صدور کنش
۲۲۳	۴-۳. مقایسه در سطح تبیین
۲۲۳	۴-۳-۱. الگوی تبیینی هر یک از دیدگاه

۲۲۳ ۱-۳-۴. الگوی تبیینی رئالیسم انتقادی
۲۲۳ ۲-۱-۳-۴. الگوی تبیینی حکمت صدرایی
۲۲۴ ۱-۲-۱-۳-۴. پس‌کاوی، الگوی مناسب در تبیین قابلیت‌های موضوعات از منظر حکمت صدرایی
۲۲۵ ۲-۲-۱-۳-۴. سازگاری تبیین پس‌کاوی با میانی هستی‌شناسی حکمت صدرایی
۲۲۵ ۳-۲-۱-۳-۴. سازگاری تبیین پس‌کاوی با میانی معرفت‌شناسی حکمت صدرایی
۲۳۰ ۲-۳-۴. هدف علم
۲۳۲ ۳-۳-۴. امکان موضع انتقادی
۲۳۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۲۳۶ نتیجه‌گیری
۲۳۹ پیشنهادها
۲۴۲ منابع و مآخذ
۲۴۲ کتابها
۲۴۵ مقالات

فصل ۱: کلیات تحقیق و مفاهیم

مقدمه

در این فصل به کلیات تحقیق و مفاهیم موجود در پایان‌نامه اشاره کرده ، روند و سیر کلی مباحث را مطرح می‌کنیم. سؤالات اصلی و فرعی ، پیشینه تحقیق، ضرورت و اهمیت و اهداف تحقیق ، روش و ساختار مباحث و همچنین مفاهیم اصلی مورد استفاده در این تحقیق ، عناوینی است که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱. کلیات تحقیق

این قسمت به بیان کلیات پژوهش حاضر اختصاص دارد. ابتدا مسئله‌ی مورد تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد و در ادامه به پیشینه‌ی مسئله‌ی مورد نظر در این تحقیق پرداخته و ضرورت و اهمیت مسئله را از نظر می‌گذرانیم. سپس ضمن طرح اهداف پژوهش حاضر ، روش و ساختار مباحث مطرح شده در تحقیق را بیان خواهیم نمود.

۱-۱-۱. طرح مسئله

اصل علیت به عنوان یک اصل کلی و عام ، مورد استناد همه‌ی علوم است که درباره احکام موضوعات حقیقی بحث می‌کند و اساساً محور تلاش‌های علمی ، تبیین پدیده‌ها از طریق کشف روابط علی میان آن‌هاست. از این رو به نظر می‌رسد هر موضع فلسفی درباره آن ، دلالت‌های صریحی در تبیین پدیده‌ها از جمله پدیده‌های اجتماعی دارد. به همین علت هر یک از مکاتب فلسفی مختلف ، مبتنی بر یک دسته از مبانی و پیش‌فرض‌ها ، تعریفی خاص از علیت ارائه داده‌اند و بر اساس آن تعریف ، روی‌کرد ویژه‌ای در تبیین پدیده‌ها اخذ نموده‌اند.

در این میان حکمت صدرایی در بحث از این اصل مباحث عمیقی را مطرح کرده است که اگر چه به ابعاد فلسفی آن توجه لازم شده است ولی توجه چندانی به لوازم و دلالت‌های آن در تبیین پدیده‌ها نشده است. از سوی دیگر مکتب رئالیسم انتقادی که از جمله مکاتب فعالی است

که با تحلیل فلسفی خاص از علّیت ، روی کرد ویژه‌ای درباره تبیین پدیده‌ها مطرح نموده و به طور نسبی در میان فیلسوفان علم و فیلسوفان اجتماعی مقبولیت یافته است.

در این تحقیق برآنیم تا با بازخوانی اصل علّیت از موضع صدرایی در قیاس با رئالیسم انتقادی و تعمق در مبانی و پیش‌فرض‌های آن ، دلالت‌های آن را در تبیین پدیده‌ها از جمله پدیده‌های اجتماعی رصد نموده و در ضمن زمینه ارزیابی دیدگاه فوق را از موضع صدرایی فراهم کنیم.

۱-۱-۲. پرسش‌های تحقیق

پژوهش حاضر با مجموعه سؤالاتی آغاز شده است که در ادامه به پرسش اصلی تحقیق، همچنین پرسش‌های فرعی آن می پردازیم.

۱-۱-۲-۱. پرسش اصلی

رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی درباره علّیت و تبیین پدیده‌ها چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی دارند؟

۱-۱-۲-۱-۱. پرسش‌های فرعی

پرسش‌های فرعی تحقیق بدین شرح است :

۱. نگرش رئالیسم انتقادی به علّیت چیست؟
۲. نگرش رئالیسم انتقادی به علّیت چه دلالت‌هایی در تبیین پدیده‌ها دارد؟
۳. دیدگاه مکتب حکمت صدرایی نسبت به علّیت چیست؟
۴. دیدگاه حکمت صدرایی نسبت به علّیت چه لوازمی در تبیین پدیده‌ها دارد؟
۵. اشتراکات و افتراقات این دو دیدگاه چیست؟

۱-۱-۳. پیشینه تحقیق

هر چند پرداختن به اصل علّیت سابقه و قدمت دیرین دارد و یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفی تاریخ فلسفه می‌باشد به گونه‌ای که هر یک از فیلسوفان به نوعی بدان پرداخته‌اند و در میراث فلسفی ما خصوصاً حکمت متعالیه به بلوغ رسیده است اما علی‌رغم غنای این مباحث اولاً با روی‌کردهای موجود در غرب کم‌تر مورد مقایسه قرار گرفته است و ثانیاً به دلالت‌های این

دیدگاه در تبیین پدیده‌ها توجّه چندانی نشده است. در این میان «رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی» عنوان مقاله‌ای است که دکتر حمید پارسانیا در آن به مقایسه کلی رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی پرداخته است. ایشان با اشاره به زمینه‌های وجودی معرفتی دیدگاه رئالیسم انتقادی در مجموع روی کرد آن به معرفت را روی کردی هرمنوتیکی می‌داند که ضمن پافشاری بر برخی اصول رئالیسم در صدد است جهت‌گیری مکتب فرانکفورت را در نقد نگرش پوزیتویستی به علم دنبال کند و نویسنده در ادامه به طرح پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این دیدگاه و بررسی آن‌ها پرداخته است.

این مقاله هر چند به مقایسه دو دیدگاه پرداخته است و به ویژه رئالیسم انتقادی را از منظر حکمت صدرایی مورد ارزیابی و نقد قرار داده است اما در این مقاله فرصت لازم برای مقایسه و ارزیابی تفصیلی دو دیدگاه برای نویسنده فراهم نبوده و بیش‌تر به پیش‌فرض‌های اولیه رئالیسم انتقادی توجّه شده است. تحقیق حاضر بر آن است این مقایسه و ارزیابی را در سطح مسائل دو دیدگاه مطرح نموده و در یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجّه هر دو دیدگاه یعنی علیت تمرکز یابد.

کتاب دیگری که به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه فلاسفه مسلمانان و فلاسفه غرب درباره علیت پرداخته است کتاب علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و تجربه‌گرا نوشته دکتر عین الله خادمی است که از سوی بوستان کتاب منتشر شده است. نویسنده در این کتاب مباحث خود را در سه بخش ارائه نموده است. ابتدا دیدگاه فیلسوفان مسلمان و تجربه‌گرا را درباره علیت در دو بخش مجزا مطرح نموده است و در بخش سوم به مقایسه و نقد آن پرداخته است. این کتاب توانسته است با طرح مقایسه‌ای دو دیدگاه به نقد دیدگاه فلاسفه تجربه‌گرا درباره علیت بپردازد با این وجود اولاً نگاهی کلی به نظرات دو دیدگاه داشته است و سعی نموده است به همه نظرات از جمله متکلمان، فلاسفه مشاء، ملاصدرا، امام فخر رازی، جان لاک، بارکلی و هیوم بپردازد. ثانیاً به دلالت‌های دیدگاه فلسفی طرفین در تبیین پدیده‌ها توجّه نداشته است. و ثالثاً دیدگاه فلاسفه تجربه‌گرا را محور مباحث خود قرار داده است؛ نه دیدگاه طرفداران رئالیسم انتقادی.

رنالیسم انتقادی بحث از علّیت را کانون توجّه خود قرار داده است و فیلسوفان فعال در این عرصه، روی بسکار، اندرو کولیر، اندرو سایر و ... با تحلیل فلسفی این اصل و توجّه به دلالت‌های آن در تبیین پدیده‌ها، روی‌کرد جدیدی را در عرض تفسیرگرایی و علم‌گرایی ارائه نموده‌اند. آندرو سایر در فصل سوم و پنجم از کتاب خود با عنوان «روش در علوم اجتماعی» به طرح دیدگاه خود درباره علّیت پرداخته است این کتاب توسط دکتر عماد افروغ ترجمه و توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

به نظر می‌رسد بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای میان دیدگاه فوق و دیدگاه حکمت صدرایی بتواند به درک عمیق‌تر و احیاناً طرح برخی نکات انتقادی نسبت به آن بیانجامد.

۱-۱-۴. اهمیت و ضرورت تحقیق

پرداختن به این مساله از جهات مختلفی دارای اهمیت است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (أ) اهمیت و جایگاه اصل علّیت در میان مباحث روشی؛ با توجّه به این که محور تلاش‌های علمی کشف روابط علیّی میان پدیده‌هاست و ارتباط آشکاری میان تحلیل فلسفی این اصل و تبیین پدیده‌ها وجود دارد، بحث از علّیت در میان مباحث روشی جایگاه ویژه‌ای دارد. (ب) از سوی دیگر یکی از لوازم بومی‌شدن علوم، بازخوانی اصول و مبانی علوم از موضع میراث اسلامی است. از این رو ضرورت دارد موضع حکمت صدرایی درباره اصل علّیت و دلالت‌های آن، مورد توجّه جدی قرار گیرد تا روی‌کرد ویژه این دیدگاه در تبیین پدیده‌ها معرفی گردد. از این منظر این تحقیق گامی هرچند کوتاه و لرزان در جهت بومی کردن علوم تلقی خواهد شد. (ج) هم چنین می‌توان اذعان کرد که مطالعات تطبیقی می‌تواند ظرفیت‌ها و نقاط قوت تراث اسلامی را به نمایش گذارد و زمینه ارزیابی دیدگاه رقیب را فراهم سازد.

۱-۱-۵. اهداف تحقیق

هدف نهایی تحقیق حاضر، دست‌یابی به الگوی تبیینی متناسب با مبانی فلسفی حکمت متعالیه در باب علّیت است؛ بی‌شک این، هدفی نیست که بتوان در کوتاه مدت به همه‌ی ابعاد آن دست یافت و نگارنده نیز چنین ادعایی ندارد؛ خصوصاً آنکه نگارنده، بضاعتی بسیار ناچیز دارد.

اما یکی از گام های لازم برای رسیدن به این هدف، مقایسه‌ی مبانی حکمت صدرایی با سایر روی‌کردها است و این هدف دور از دسترس به نظر نمی رسد. بنابراین هدف قابل وصول این تحقیق، مقایسه‌ی این دو روی‌کرد در مسأله‌ی علّیت است.

در گام بعد هدف آن است که با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه خصوصاً با عنایت به تحلیل او از علّیت، الگویی از تبیین معرفی شده و با تأمل در الگوی تبیینی رئالیسم انتقادی وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در سطح تبیین نیز روشن گردد.

۱-۱-۶. روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، روش کتاب‌خانه‌ای است و در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش عقلی - تحلیلی بهره می‌بریم.

۱-۱-۷. سازمان‌دهی تحقیق

این تحقیق در سه فاز انجام می پذیرد؛ ابتدا علّیت و تبیین از دیدگاه رئالیسم انتقادی مورد توجه قرار می گیرد. در فاز دوم علّیت و تبیین از دیدگاه حکمت متعالیه مطرح می شود و در نهایت دو دیدگاه درباب علّیت و تبیین مقایسه می گردند. هر فاز از تحقیق در یک فصل ارائه خواهد شد.

البته به جهت تأثیر مستقیم مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی طرفین در مسأله‌ی علّیت و همچنین الگوی تبیینی آن‌ها، در آغاز دو فصل آتی، به مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دو دیدگاه خواهیم پرداخت، و در فصل آخر نیز این مبانی مورد توجه خواهد بود.

۱-۲. مفاهیم

درآغاز راه، مفاهیم کلیدی عنوان تحقیق اجمالاً توضیح داده می‌شود؛ هر چند ممکن است برخی از این مفاهیم، در فصل‌های بعدی به صورت مفصل توضیح داده شود. مفاهیم مورد نظر در این بخش عبارت‌اند از علّیت، تبیین، حکمت صدرایی، رئالیسم انتقادی.

۱-۲-۱. علیت

علیت و معلولیت از جمله مفاهیمی است که هر کس تصویری از آن در ذهن دارد و آن عبارت است از این که از دو شیء معین یکی را "به وجودآورنده" و دیگری را، "به وجودآورده" شده و "اثر" می شناسد.^۱ بنابراین علیت به معنای "به وجود آوری"، "تولید" و "تأثیرگذاری" و معلولیت به معنای "تأثیر پذیری" و "قبول ایجاد" نیاز به تعریف ویژه ای ندارند. البته درباره چگونگی دست یابی به این مفاهیم مباحثی مطرح است در فصل های آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۲. تبیین

تحقیقات علمی با سه سؤال عمده روبرو هستند: چیستی، چرایی و چگونگی؛ پرسش از چیستی در راستای کشف و توصیف ویژگی های پدیده ها است. پرسش از چگونگی در راستای تغییر و دخالت کردن است؛ مثلاً چگونه می توان جلوی تغییر شیء X را گرفت؟ اما سوال از «چرایی» به «تبیین» پدیده مربوط می گردد.^۲ یا به عبارت دیگر، «تبیین» پاسخ به سوال «چرا» است. سوال «چرا» غالباً^۳ برای طلب علت است.^۴ بنابراین می توان گفت «تبیین» پاسخ به سوال از علت شیء یا بیان چرایی آن است و به صورت صریح تر، «تبیین»، بیان علت یک امر است.^۵

بنابراین کشف و تعیین علت یا علت هایی که در در تحقق خارجی یک پدیده مؤثرند را تبیین گویند. اما توجه به این نکته لازم است که رهیافت های مختلفی نسبت به جستجوی علت ها

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۶۴۶.

۲- نورمن بلیکی، پارادایم های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه و تدوین و مقدمه سیدحمیدرضا حسینی و محمد تقی ایمان و مسعود ماجدی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۲۴۶.

۳- گاه برای طلب دلیل به کار می رود.

۴- بلکه همواره سوال از علت است زیرا سوال از دلیل هم در واقع به سوال از علت باز می گردد. یعنی علت یک حادثه گاه امری ذهنی (دلیل) و گاه امری خارج ذهنی است.

۵- احد فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵، صص ۱۸۶-۱۸۷.

وجود دارد که الگوهای^۱ مختلف استقرایی، فرضی - قیاسی (ابطال‌گرایی پوپری)، پس‌کاوی و استفهامی را رقم زده‌اند.^۲

۱-۲-۳. رئالیسم انتقادی

رئالیسم انتقادی جریان به طور عمده شناخت‌شناسی است که در مواجهه با رئالیسم تجربی و ایدئالیسم استعلایی در حوزه‌ی مطالعات طبیعی و عینیت‌گرایی خام و نسبی‌گرایی رادیکال در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی مطرح شد و به مثابه راهی برای حفظ واقع‌گرایی فراسوی اثبات‌گرایی و نسبی‌گرایی رادیکال تلقی می‌شود. این جریان در دهه‌ی هفتاد میلادی با محوریت روی بسکار بنیان نهاده شد و با اهتمام همکاران وی یعنی مروین هارتویگ، مارگارت آرچر، پیترو منیکاس، آندرو سایر، آندرو کالیر، تد بتون، یان کرایب و ... بسط یافت. رئالیسم انتقادی، رئالیسم استعلایی، طبیعت‌گرایی انتقادی، رئالیسم انتقادی دیالکتیک، رئالیسم انتقادی دیالکتیک استعلایی و فلسفه‌ی فراواقعیت، عناوین مختلفی است که با آن‌ها از این جریان یاد می‌شود.^۳

۱-۲-۴. حکمت صدرایی

حکمت صدرایی، نظام فلسفی است که با صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی مشهور به صدرالمتهلین آغاز شده و در ادامه با محوریت دیدگاه‌های ایشان، توسط فیلسوفان پس از او شرح و بسط یافته و یا مورد بررسی قرار گرفته است و چه بسا در این مسیر تحولاتی پیدا کرده است. بنابراین مراد از حکمت صدرایی خصوص دیدگاه‌های ملاصدرا در مباحث فلسفی نیست بلکه مراد جریان فلسفی است که با وی در عرض فلسفه مشاء و اشراق، تحت عنوان «حکمت متعالیه» شکل گرفته و در ادامه با تلاش‌ها و نوآوری‌های فیلسوفان و حکیمانی هم‌چون ملاهادی سبزواری و در دوره معاصر علامه طباطبایی بر غنای آن افزوده شده است و این تلاش‌ها توسط شاگردان ایشان ادامه دارد.

۱- چون به صورت مستقیم به بحث ما ارتباط ندارند از پرداختن به آنها خودداری می‌کنیم. البته چون الگوی مورد نظر رئالیسم انتقادی «پس‌کاوی» است، در فصل مربوطه طرح خواهد شد.

۲- نورمن بلیکی، ص ۲۴۶.

۳- زینب توحیدی نسب و مرضیه فروزنده، رئالیسم انتقادی، مقدمه عماد افروغ، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲، صص ۱۴ - ۱۵ (مقدمه عماد افروغ)

